کیهان

خودت را آماده کن محمدعلی!

ماه
هزارتکه
پروین مقدم
۲۳

اعتراف

از چهره بازجو پیدا بود که حرف‌های محمدعلی را باور نکرده، با شک و ابهام به محمدعلی نگاه کرد و گفت:

«ببریدش.»

نگهبان آمد و محمدعلی را از جا کند، به سختی قدم برمی‌داشت، پشت پلکش ناخودآگاه می‌پرید، شاید از درد بود، شاید هم از ضربه‌های ناگهانی که موقع بازجویی به سر و صورتش خورده بود، کف پاها دردناک و سوزن‌سوزن می‌شد، برای سومین بار در یک روز بازجویی شده بود.

- کتاب‌ها رو از کجا آوردی؟

- از اتاق دبیران!

- از کی گرفتی؟ چند تا بودن؟ رابطت با سازمان؟

- از کسی نگرفتم، فقط ۵ تا کتاب!

محمدعلی فکر کرده بود. از وقتی دستگیر شده بود به این فکر کرده بود که ساواک خوب او را می‌شناسد، می‌دانست هر که یک بار به زندان ساواک آمده باشد، همه عمرش تحت نظر است و حالا می‌دانست که راه گریزی نیست. پس باید حرف‌های کم خطر می‌زد، توی ذهنش گشته بود دنبال اسامی کشته‌ها! ساواک رضا رضایی و احمد رضایی را کشته بود، پوراندخت بازرگان هم ایران نبود، محمد حنیف‌نژاد هم دو سال قبل اعدام شده بود. پس می‌شد رابطه با آنها را منکر نشد.

*** در سلول محمدعلی باز شد، بوی چرک و خون مرده به دماغش خورد، سرش گیج رفت. به بوی نا و چرک سلول هنوز عادت نکرده بود، خون خشک شده روی زیلو دلش را آشوب می‌کرد. اندیشید: «خودت رو آماده کن محمدعلی! اینجا قراره این قدر کابل بخوری که همه تنت تاول بزنه، این قدر شلاق بخوری که چرک و خونت یکی بشه! اون وقت بوی سلول برات عادی می‌شه!»**

این حرف‌ها برای کسی ایجاد خطر نمی‌کرد. تازه حالا که پیدایش کرده بودند از کجا معلوم فردا کسی درباره‌اش اعتراف نکند؟

محمدعلی از مقابل سلول‌ها گذشت، به طرف انتهای راهرو می‌رفت.

- سرکار اجازه بدین وضو بگیرم.

زندانبان تیز و خشک گفت:

«نمی‌شه، برو به سلولت.»

محمدعلی گفت:

«مگه تو مسلمون نیستی؟ فقط می‌خوام وضو بگیرم.»

زندانبان درشت و تند جواب داد:

«حرف نباشه!»

در سلول محمدعلی باز شد، بوی چرک و خون مرده به دماغش خورد، سرش گیج رفت. به بوی نا و چرک سلول هنوز عادت نکرده بود، خون خشک شده روی زیلو دلش را آشوب می‌کرد. بخصوص که شام دیشب آن قدر دندان‌گیر نبود که بتواند معده خالی‌اش را برای روزه سر پا نگه دارد. تخم مرغ آب پز با یک کف دست نان. اندیشید: «خودت رو آماده کن محمدعلی! اینجا قراره این قدر کابل بخوری که همه تنت تاول بزنه، این قدر شلاق بخوری که چرک و خونت یکی بشه! اون وقت بوی سلول برات عادی می‌شه!»

بعد لبخند زد، اینجا بازداشتگاه موقت بود. جایی که آدم‌ها یکنواختی روزانه را می‌شکستند و رفتارشان رنگ و روی تازه‌ای به خود می‌گرفت. اینجا مثل وقتی که آفتاب صبح پاییز روی شاخ و برگ بوته‌ها می‌تابید، پوسته همیشگی که آدم‌ها را در خود نگه می‌داشت، دائم ترک برمی‌داشت و همه می‌رفتند تا از پوستینه به درآیند، به در می‌آمدند و هر کدام به نسبت توان خود پر و بال می‌زدند. کرم‌ها، پیله‌ها، پروانه‌ها! کرم‌ها، پیله‌ها... بعضی‌ها هیچ‌وقت پروانه نمی‌شدند.

محمدعلی برگشت به سلولش، به سختی روی زمین نشست و زیرلب با خودش زمزمه کرد:

«الحمدالله رب العالمین»

یک ساعت دیگر هم گذشت، به اذان ظهر چیزی نمانده بود. دلشوره به سراغش آمد، نماز خواندن به موقع نه عادت که برایش پیمانی دلچسب بود. از وقتی خودش را می‌شناخت عهد کرده بود اگر به وقتش نماز نخواند، دو روز روزه بگیرد و حالا دلشوره داشت، دلشوره‌ای نه برای آن دو روز؛ که برای از دست رفتن لحظات رازونیازش که حتی در آن سلول سرد و نمور و چرکین حاضر نبود با هیچ چیز عوضش کند.

دو ضربه به در خورد، محمدعلی سرش را بلند کرد:

«بیا بیرون، وقت دستشویی!»

به دیوار تکیه داد و شانه‌هایش را سر داد به طرف بالا، زانوها رمق نداشت، به سختی ایستاد، محمدعلی از پیش رفت و نگهبان از پشت سر آمد، نرسیده به انتهای راهرو چشمش به محسن افتاد که چون سایه‌ای در راهروی نیمه تاریک پیش می‌خزید، خیلی کند می‌آمد، باریک و نزار، قدم‌هایش به صدای بال شب‌پره‌ای می‌مانست که از نفس افتاده است، شلاق خورده بود و آن قدر شلاق خورده بود که ایستاده نه، نیمه نشسته راه می‌رفت.

محمدعلی قدم‌هایش را خیلی کندتر کرد، راه رفتن لاک‌پشت، انگاری کند و آرام، از آن هم کندتر، محسن چشمش به محمدعلی افتاد. محمدعلی انگشتانش را باز کرد و لب‌هایش تکان خورد.

- چند تا؟ چند تا اعتراف کردی؟

محسن به زحمت انگشتانش را باز کرد.

- فقط ۵ تا.

چشمان محمدعلی به علامت تأیید بازوبسته شد.

- خوبه!

صدای نگهبان بلند شد:

«زود باش! زودتر!»

نگاه محمدعلی از محسن گذشت، به دستشویی رسید، کاشی‌های کبره بسته کنار شیر را از نظر گذراند، محسن نوشته‌اش را دیده بود:

«قضیه استنسیل چیه؟»

محسن جواب داده بود:

«فقط ۵ تا کتاب.»

خم شد و تکه چوب شکسته و نازکی را از زمین برداشت و روی کلمات کشید، کلمات کم‌کم محو شد و سبزی مات کاشی خودش را از زیر حرف‌ها بیرون کشید. بعد کمی بالاتر، جایی که می‌دانست محسن خواهد دید، نوشت: «پیروز باشید!»

پشت دیوارهای شهر

بازجو دود سیگارش را بیرون داد و به آن نگاه کرد که مارپیچ از کنار روشنایی زردرنگ چراغ به طرف سقف اتاق رفت و بعد آهسته متلاشی شد.

ساعت ۷ بود و شهر می‌رفت تا با غروب خورشید آرام گیرد. کنار بازجو، میزی پایه کوتاه بود که روی آن رادیو ضبط کوچکی بود.

بازجو پیچ رادیو را چرخاند و لحظه‌ای بعد صدای آواز زنی فضا را پر کرد. دو مرد همکار بازجو با نگاه‌هایی یخ بسته، همچنان که ترانه را زیر لب زمزمه می‌کردند، محمدعلی را به صندلی میخکوب کردند. انبردست به زیر ناخن انگشت شست محمدعلی خزید و لحظه‌ای بعد خون وسط اتاق فواره زد. محمدعلی از درد به خودش پیچید اما فریاد نزد.

بازجوی اولی گفت: «چه روز خوبی! شام چی داریم.»

پاسخ داد: «استیک با آبجو.»

بازجوی اولی سیگاری دیگر آتش زد و گذاشت لای لب‌هایش تابه آرامی دود شود.

حزب
مشارکت ایران اسلامی
حزب دولت ساخته
۳۰

پشت پرده کنفرانس برلین

*** اکبر گنجی در مصاحبه‌ای با نشریه اشپیگل سایتونگ در اظهارات سخیفی از واقعیت جریان کنفرانس برلین پرده برداشت: «خمینی دیگر وجود ندارد. آنچه وجود دارد فقط برداشتهای ما از سخنان اوست. امّا او به هر حال یک روزی به موزه تاریخ خواهد رفت و هیچ کس نمی‌تواند جلوگیری کند. این یک تکامل تاریخی است. در یک جامعه مدنی جدایی دین از سیاست یک امر بدیهی است. وقتی شما جامعه را مدرنیزه کنید این جدایی بالاخره پیش خواهد آمد».**

از چپ به راست: اکبر گنجی، مهرانگیز کار، یوسفی اشکوری. این سه از شرکت‌کنندگان کنفرانس برلین بودند.

در نمایش برلین، (مهرانگیزکار حقوقدان فمینیست و نویسنده هفته‌نامه مبتذل زن روز در رژیم شاه) قوانین و ساختار حقوقی ایران را زن‌ستیز و مانع تحقق شعار «ایران برای همه ایرانیان» (شعار مطرح شده توسط حزب مشارکت) دانست و خواستار بررسی عملکرد حاکمیت جمهوری اسلامی در طول ۲۱ سال حیات خود شد.

شهلا لاهیجی (ناشر داخلی) از ۲۱ سال کشته دادن در ایران برای آزادی بیان دم زد و در موضع ضد دینی خود تصریح کرد: «باید این باور در حاکمیت پدید آید که دوران کمربندهای عفت گذشته است».[۳۱۵]

یوسفی اشکوری (روحانی‌نمای به اصطلاح روشنفکر) در سخنانی از به سر آمدن عمر استبدادگران در ایران سخن گفت و در واکنش به ضد انقلابیونی که او را به سبب ملبس بودن به لباس روحانیت هو می‌کردند گفت که در داخل ایران قربانی خشونت است و از مبارزان برای آزادی و دموکراسی (ضد انقلابیون) در خارج از کشور رفتار دموکراتیک را توقع دارد! در این سمینار عزت‌الله سحابی طی سخنانی حکومت ایران را حکومتی دیکتاتور خواند و گفت:«شما که علیه دیکتاتوری داخل ایران مبارزه می‌کنید، باید بدانید کسانی که این‌جا هستند نیز همچون شما در حال مبارزه با دیکتاتوری در داخل هستند».[۳۱۶] وی پیروزی دوم خردادی‌ها در انتخابات مجلس ششم را، رأی منفی به جریان حاکم بر دولت در بیست سال گذشته دانست. او همچنین اظهار داشت: «این اتفاق سندی است به این که مقاومت و ایستادگی مسالمت‌آمیز و حفظ فضای مدنی در چنین بستری کارآمدی داشته و طی همین سه سال اخیر امتحان خودش را پس داده است».[۳۱۷]

در ادامه سلسله سخنرانی اصلاح‌طلبان تجدیدنظرطلب حاضر در کنفرانس خفت‌بار برلین، این‌بار نوبت به حمیدرضا جلایی‌پور (عضو شورای مرکزی حزب مشارکت) بود که از اقدامات غیرقانونی خود و همفکرانش در روزنامه‌های زنجیره‌ای به صراحت سخن بگوید: ما صرفاً در روزنامه خودمان یک محدودیت داریم و آن در مورد کسانی است که در خارج از کشور هستند و به خاطر مسایل اوایل انقلاب (ارتباط با ساواک و یا گروهک تروریستی منافقین و ...) نمی‌توانیم اسم آنها را با مطالبشان درج کنیم، لیکن چنانچه آنها هم مطالب خود را تحت اسم دیگری (مستعار) بنویسند ما آنها را چاپ می‌کنیم».[۳۱۸]

این اظهارات در حالی بیان شد که عملکرد روزنامه‌های زنجیره‌ای اصلاح‌طلبان حتی در مغایرت با ادعاهای جلایی‌پور این عضو ارشد حزب مشارکت قرار داشت. زیرا روزنامه نشاط به علت انتشار مقاله‌ای از حسین باقرزاده (عضو شناخته شده گروهک تروریستی منافقین) و همچنین روزنامه عصر آزادگان به علت انتشار مطلبی از محسن حیدریان (عضو برجسته حزب توده) در عمل نشان داده بودند که اگر قصد انتشار مطلبی را از گروهکهای ضد انقلاب داشته باشند، چندان هم نیازی به استفاده از نام مستعار ندارند و با جسارت کامل، وقیحانه حاضر به نشر دیدگاههای گروهکهایی هستند که جنایات آنها در حق نظام اسلامی و مردم مسلمان ایران به کرات در تاریخ ثبت شده است.

امّا مهم ترین بخش این کنفرانس سخنرانی اکبر گنجی (عضو حزب مشارکت) بود. وی تلاش کرد تا در سخنان خود ضد انقلاب را متقاعد سازد که نظام حاکم در ایران از جمله رژیمهای اصلاح‌پذیر و قابل تغییر به شیوه‌های آزاد و انتخابات است. گنجی در حالی وارد سالن کنفرانس شد که به محض ورود او به سالن عده زیادی برای او کف زدند امّا عده‌ای دیگرهم او را هو کردند و تأکید داشتند که وی و امثال وی چه اصلاح‌طلبانی هستند که ۲۰ سال در کنار جمهوری اسلامی زیسته و همکاری کرده‌اند.

اکبر گنجی که چندین بار در برابر جمعیت تنظیم کرد طی سخنانی که با هو و تشویق حاضرین (دو طیف ضد انقلاب) همراه بود، گفت: «به امید بازگشت شرافتمندانه کلیه ایرانیان به ایران عزیز».[۳۱۹] در کنار سخنرانیهای موهن و ضد دینی و انقلابی تجدیدنظرطلبان ایرانی حاضر در کنفرانس برلین، اتفاقاتی در حاشیه این کنفرانس رخ داد که آبروی نداشته مسافرین برلین را بیش از پیش در نزد افکار عمومی مردم ایران برد. یکی از اتفاقات دیدار جمعی از شرکت‌کنندگان کنفرانس از جمله سحابی و اشکوری به صورت مخفیانه با مقامات وزارت خارجه و دولت آلمان بود. همچنین همزمان اکبر گنجی در مصاحبه‌ای با نشریه اشپیگل سایتونگ در اظهارات سخیفی از واقعیت جریان کنفرانس برلین پرده برداشت : «خمینی دیگر وجود ندارد. آنچه وجود دارد فقط برداشتهای ما از سخنان اوست. امّا او به هر حال یک روزی به موزه تاریخ خواهد رفت و هیچ کس نمی‌تواند جلوگیری کند. این یک تکامل تاریخی است. در یک جامعه مدنی جدایی دین از سیاست یک امر بدیهی است. وقتی شما جامعه را مدرنیزه کنید این جدایی بالاخره پیش خواهد آمد».[۳۲۰]

یکی دیگر از اتفاقات در کنفرانس برلین، ابراز مخالفت تعدادی از ضد انقلابیون بود که مخالفت خود را از طریق رقاصی یک زن نیمه عریان و عریان شدن یک مرد اعلام کردند.

اظهارات تندروهای مشارکتی و اصلاح‌طلب افراطی در کنفرانس برلین چنان بر مذاق آمریکاییها و غربیها خوش آمد که گری سیک (عضو برجسته سازمان سیا) در این‌باره گفت: «من چگونه خوشحال نباشم از این‌که در ایران موج تازه‌ای برپا شده است که مصمم است طومار حکومت اسلامی را درهم پیچیده و حکومتی نظیر حکومت ایران در دوران شاه و عربستان سعودی را روی کار بیاورد».[۳۲۱]

پس از افشای ماهیت این کنفرانس خفت‌بار و پخش گزیده‌ای مختصر از ماوقع کنفرانس برلین از سیمای جمهوری اسلامی، واکنشهایی از سوی اقشار مختلف مردم و شخصیتهای سیاسی و مذهبی کشور انجام گرفت.

یک روز پس از اتمام این کنفرانس آیت‌الله نوری همدانی ضمن محکوم کردن این کنفرانس فرمودند: «آن‌جا (در آلمان) دشمنان اسلام وجود دارند و من از وضع آن‌جا مطلع هستم. زمانی نماینده امام(ره) در آن‌جا بودم. تمام زحمات امام(ره) را به تمسخر گرفتند. این مسأله ساده‌ای نیست. این دهن‌کجی به اسلام، انقلاب و کشور است . . . این آقایان رفته‌اند به آن‌جا که اسلام را تمسخر کنند. این توهین به شهداست. شما به چه مناسبتی از کشور به آن‌جا رفتید که بر علیه اسلام دهن‌کجی می‌کنند؟»[۳۲۲]

آیت‌الله مصباح یزدی نیز ضمن سخنانی از اهداف اصلاح‌طلبان پرده برداشته و تصریح کرد: «کسانی که دم از اصلاح‌طلبی می‌زنند، درواقع هدفشان احیای سنّت کفار ۲۵۰۰ سال پیش در جامعه اسلامی ایران می‌باشد. در شرایط کنونی کسانی که دم از اصلاح‌طلبی می‌زنند، معتقدند اسلام ۱۴۰۰ سال پیش، به درد امروز جامعه نمی‌خورد».[۳۲۳] ایشان همچنین با اشاره به حضور یوسفی اشکوری (روحانی‌نمای اصلاحات) در این کنفرانس و توهین شرکت‌کنندگان در آن به مقدسات افزود: «افراد جبهه ملّی در این کنفرانس رسماً احکام اسلام را محکوم می‌کنند، متأسفانه کسانی که دو متر پارچه به سرشان بسته‌اند این غلطها را می‌کنند، آنها آبروی جمهوری اسلامی را برده‌اند».[۳۲۴]

آیت‌الله جوادی آملی در خطبه‌های نماز جمعه شهر مقدس قم، با اشاره به کنفرانس ننگین برلین اظهار داشتند: «کنفرانس رقت‌بار و ذلت‌بار برلین، فاقد استدلال بود و حرفی جز فحش و هتاکی نسبت به مقدّسات نداشت. قرآن کریم می‌گوید اگر بیگانگان دور هم جمع شدند و دارند اسلام را تحقیر می‌کنند در جمع آنان ننشینید. قرآن کریم به طور لحظه به لحظه از توطئه دشمنان داخلی و خارجی، پیامبر (ص)را آگاه می‌کند و دستور می‌دهد در جلسات کسانی که به جای استدلال به هتاکی و توهین می‌پردازند، شرکت نکنید . . . امّت اسلامی باید آگاه باشد. افشای این کنفرانس کشف اسرار دیگران نیست. بلکه روشن کردن قصد آنهاست. اصل آن کنفرانس و شرکت عده‌ای از ایران در آن جمع از نظر عقل، منطق، وحی و دولت و ملت مسلمان ایران، حقیر، محکوم و باطل است».[۳۲۵] آیت‌الله امامی کاشانی هم در نماز جمعه تهران به بحث کنفرانس برلین اشاره کرده و بیان داشت: «حضور در کنفرانس برلین عملی حرام بود. آنها به علت این‌که در مجلس ضد انقلاب حضور داشتند، دست به عملی حرام زدند».[۳۲۶]

---

[۳۱۵] ۳۱۵- روزنامه ایران، سال ۱۳۸۹.

[۳۱۶] ۳۱۶- همان.

[۳۱۷] ۳۱۷- چهل تدبیر، علی الفت‌پور، ص ۲۲۴.

[۳۱۸] ۳۱۸- ویژه‌نامه روزنامه ایران، سال ۱۳۸۹.

[۳۱۹] ۳۱۹- روزنامه کیهان، به تاریخ ۱۳۷۹/۲/۷.

[۳۲۰] ۳۲۰- چهل تدبیر، علی الفت‌پور، ص ۲۲۳.

[۳۲۱] ۳۲۱- هویت، دفتر تحقیق و پژوهش انتشارات واژگان، تابستان ۱۳۷۹.

[۳۲۲] ۳۲۲- ویژه‌نامه سیاسی روزنامه ایران، سال ۱۳۸۹.

[۳۲۳] ۳۲۳- همان.

[۳۲۴] ۳۲۴- همان.

[۳۲۵] ۳۲۵- ویژه‌نامه سیاسی روزنامه ایران، سال ۱۳۸۹.

[۳۲۶] ۳۲۶- همان.

آگهی فراخوان عمومی
ارزیابی کیفی

مجتمع فولاد مبارکه

شماره فراخوان: ۴۸۳۵۶۱۳۸

موضوع فراخوان: تعمیر و بازسازی ۱۴۷ عدد چوک پشتیبان ناحیه نورد گرم شرکت فولاد مبارکه

مبلغ برآورد اولیه: ۲۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (بیست و سه میلیارد) ریال

مدارک لازم: تکمیل و ارائه فرم‌های خود اظهاری ارزیابی کیفی به همراه مستندات و سوابق شرکت در زمینه موضوع فراخوان

نحوه دریافت فرم‌های ارزیابی کیفی: سایت شرکت فولاد مبارکه (**www.mobarakeh-steel.ir**)← خرید و تامین‌کنندگان← خرید← مدیریت قراردادهای خرید← پرسش‌نامه‌های ارزیابی کیفی پیمانکاران← پیمانکاران عمومی حقوقی

نحوه ارسال مدارک توسط متقاضیان شرکت در مناقصه:

ارسال از طریق آدرس: اصفهان ۷۵کیلومتری جنوب غربی اصفهان- کدپستی ۱۱۱۳۱- ۸۴۸۸۱ شرکت فولاد مبارکه- واحد قراردادهای خرید

توضیحات: ۱- مدارک متقاضیان می‌بایست به صورت CD و با فرمت PDF ارسال شود.

۲-اسناد مناقصه پس از انجام ارزیابی کیفی، برای شرکت‌های تایید شده ارسال خواهد شد.

مهلت ارسال مدارک: ۱۳۹۲/۶/۶

هزینه درج آگهی برعهده برنده مناقصه می‌باشد.

ارایه مدارک و سوابق هیچ گونه حقی را برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد.

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر با شماره تلفن **۰۳۳۵۵۴۳-۳۶۲۵** تماس حاصل فرمایید.

روابط عمومی شرکت فولاد مبارکه اصفهان

(کد آگهی: ر - ۹۲۰۹٤)

آگهی ابلاغ

درخصوص دادخواست تجدیدنظرخواهی شهرداری قزوین نسبت به دادنامه ۹۱۰۹۹۷۲۸۱۰۳۰۰۶۳۸ مورخه ۱۳۹۱/۷/۱۰ بطرفیت آقایان غلامرضا طاهری زادگان و سیدیعقوب آبفروشها و غلامعلی روزبه و سیف‌اله گرامی‌پور همگی مجهول‌المکان به پیوست یک نسخه ابلاغ وقت رسیدگی مورخ۱۳۹۲/۷/۲ ساعت ۱۰ صبح در شعبه نهم دادگاه تجدید نظر استان قزوین برگزار می‌شود. مراتب جهت اطلاع و حضور نامبردگان در وقت رسیدگی به جهت مجهول‌المکان بودن نامبردگان جهت شرکت در جلسه رسیدگی و ادای توضیح درخصوص عدم انتقال قطعات سوم و چهارم تفکیکی به شهرداری به علت واقع شدن در مسیر خیابان آگهی گردیده است.

شعبه نهم دادگاه تجدیدنظر استان قزوین

آگهی تصمیمات شرکت آرد شعله سهامی خاص به شماره ثبت ۱۲۵ و به شناسه ملی ۱۰۸۶۰۵۷۴۹۷۰

باستناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۲/۴/۲۵ در شرکت مرقوم تصمیمات زیر به عمل آمد:

۱- آقایان سعید توتونچی به شماره ملی ۲۰۰۰۵۵۰۲۷۴، سیمین توتونچی به شماره ملی ۲۰۰۲۰۴۷۴۷۲، سارا توتونچی به شماره ملی ۲۰۰۲۲۸۱۷۳۴ به عنوان اعضاء هیئت مدیره برای مدت دو سال تعیین شدند.

۲- آقای نعمت‌اله تقی‌زادگان به شماره ملی ۲۰۰۱۹۵۳۵۲۶ به عنوان بازرس اصلی و محمد برازش به شماره ملی ۲۰۰۰۷۳۵۹۴۰ به عنوان بازرس علی‌البدل شرکت برای یکسال مالی انتخاب شدند.

۳- روزنامه کیهان جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد.

۴- به موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۲/۴/۲۵ سعید توتونچی بسمت مدیرعامل و سیمین توتونچی بسمت رئیس هیئت مدیره و سارا توتونچی بسمت نایب رئیس هیئت مدیره تعیین و کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک سفته برات و غیره با امضاء مدیرعامل و مهر شرکت معتبر است. ذیل ثبت از لحاظ امضاء در مورخ ۹۲/۵/۱۶ تکمیل شد.

تفرقی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک دزفول

زن روز

اولین نشریه مخصوص بانوان
با مطالب متنوع و خواندنی شنبه‌ها بصورت سراسری منتشر می‌گردد

آگهی مزایده
۹۲/۱

شرکت مخابرات استان گیلان

شرکت مخابرات استان گیلان در نظرد دارد **ملک مازاد بر نیاز خود را در استان گیلان- شهر رشت- بلوار امام خمینی(ره) روبروی هتل پامچال دارای دوبر شمالی و جنوبی دارای ۷ واحد مسکونی با انبار و پارکینگ به متراژ ۱۱۶۳ مترمربع و دو باب مغازه به متراژ حدود ۳۱۱ مترمربع و متراژ عرصه ۶۲۱ مترمربع بشرح ذیل از طریق مزایده عمومی بفروش برساند.** متقاضیان می‌توانند در ساعات اداری با مراجعه به شرکت مخابرات گیلان واحد قراردادها و یا سایت مندرج در ذیل نسبت به مشاهده اسناد مزایده اقدام نمایند. **فروش اسناد مزایده از تاریخ نشر آگهی تا روز چهارشنبه مورخ ۹۲/۵/۳۰ ساعت ۱۶ و تحویل اسناد مزایده خریداری شده تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۹۲/۶/۱۰ و بازگشایی پاکتهای رسیده روز سه‌شنبه مورخ ۹۲/۶/۱۲ راس ساعت ۱۴ می‌باشد.** ضمنا حضور شرکت‌کنندگان در روز بازگشایی پاکات رسیده بلامانع است. سپرده شرکت در مزایده ۴٪ مبلغ پایه بصورت چک بانکی و یا ضمانت‌نامه بانکی و واریز مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ریال بحساب ۰۱۰۲۵۲۱۶۰۶۰۰۵ نزد بانک صادرات جهت خرید اسناد بنام شرکت مخابرات گیلان و در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۷۲۴۲۳۶۷-۷۲۴۲۳۲۶ دورنویس ۷۷۲۳۴۵۶ با کد ۰۱۳۱ تماس حاصل فرمایید.

ملاحظات:

الف) یک واحد مسکونی به مساحت ۷۲/۴۰ مترمربع (هفتاد و دو مترمربع و چهل سانتی‌متر مربع) در نیم طبقه

ب) تعداد سه واحد آپارتمان مسکونی در طبقات اول تا سوم جنوبی هر یک به مساحت ۱۶۳ مترمربع (یکصد و شصت و سه مترمربع)

ج) تعداد سه واحد مسکونی در طبقات اول تا سوم شمالی هر یک به ابعاد ۱۵۵ مترمربع (یکصد و پنجاه و پنج مترمربع)

د) تعداد یک باب مغازه بمساحت ۱۳۷/۳۵ مترمربع دارای انباری و سرویس بهداشتی و کف سرامیک

ذ) تعداد یک باب مغازه بمساحت ۱۲۹/۴۳ مترمربع دارای بالکن به متراژ ۴۳/۱۴

پارکینگ سرپوشیده به مساحت ۸۴/۸۰ مترمربع- موتورخانه به مساحت ۲۹/۱۲ مترمربع- انباری به مساحت ۲۳/۴۶ مترمربع که در حیاط قرار دارد- ملک مذکور دارای ۸ عدد کنتور برق تکفاز و یک عدد کنتور سه فاز همچنین انشعاب گاز و آب می‌باشد.

آدرس اینترنتی شرکت مخابرات استان گیلان www.tcg.ir

آدرس اینترنتی شرکت مخابرات ایران www.irantelecom.ir

شرکت مخابرات استان گیلان
(سهامی خاص)

آگهی تجدید
مناقصه عمومی
یک مرحله‌ای ۱۱۰/۱۱۱۳۵
نوبت اول

شرکت آب و فاضلاب اهواز

۱- نام دستگاه مناقصه‌گزار: شرکت آب و فاضلاب اهواز
۲- موضوع مناقصه عمومی: پروژه حراست و حفاظت از پست‌های نگهبانی شرکت آب و فاضلاب اهواز
۳- نام دستگاه نظارت: حراست و امور محرمانه
۴- مدت انجام کار: ۱۲ ماه
۵- مبلغ برآورد اولیه: ۱۷/۲۸۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۶- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۱۴۰/۰۰۰/۰۰۰ریال
۷- مهلت و زمان دریافت اسناد: از تاریخ ۹۲/۵/۲۱ لغایت ۹۲/۵/۲۶
۸- محل دریافت اسناد: اهواز- کیانپارس- خیابان پنجم غربی- نبش خرداد (مدیریت قراردادها)
۹- مهلت و زمان تحویل اسناد: از تاریخ ۹۲/۵/۲۷ لغایت ۹۲/۶/۵
۱۰- قیمت اسناد و نحوه واریز وجه به مبلغ ۲۵۰/۰۰۰ ریال است که باید به شماره حساب ۰۱۰۲۹۵۲۷۲۲۰۰۱ نزد بانک صادرات شعبه فلکه دوم کیانپارس اهواز کد شعبه ۲۳۰۷ (قابل واریز در کلیه شعب) در وجه شرکت آب و فاضلاب اهواز واریز شود وجه مذکور به هیچ عنوان مسترد نخواهد شد.
۱۱- محل تحویل اسناد: دفتر حراست و امور محرمانه شرکت آب و فاضلاب اهواز به نشانی: اهواز- کیانپارس- خیابان ۵ غربی- نبش خرداد
۱۲- محل و زمان گشایش پیشنهادها: زمان گشایش پاکات (الف و ب و ج) در دفتر مدیریت قراردادها شرکت آبفا اهواز در تاریخ ۹۲/۶/۶ راس ساعت ۱۰ می‌باشد، ضمنا حضور شرکت‌کنندگان یا نماینده آنان در روز بازگشائی پاکات بلامانع می‌باشد.
۱۳- محل تأمین اعتبار: جاری
۱۴- هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.
۱۵- شرکت‌هایی که دارای مجوز رسمی حفاظت فیزیکی از حراست وزارت نیرو می‌باشند، می‌توانند در مناقصه فوق شرکت نمایند و به پیشنهادهای فاقد امضاء، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضاء مدت مقرر در مناقصه واصل شود، مطلقا ترتیب اثر داده نخواهد شد. ضمنا برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توان با شماره **۳۳۸۶۵۰۹-۰۶۱۱** تماس گرفت.

AWW.CO.IR
روابط عمومی و آموزش همگانی
شرکت آب و فاضلاب اهواز

اجرائیه

شماره اجرائیه: ۹۲۱۰۴۲۲۴۲۰۷۰۰۱۳۳
شماره پرونده: ۹۱۰۹۹۸۲۴۲۰۷۰۰۹۹۸
شماره بایگانی شعبه: ۹۱۱۰۰۸
تاریخ تنظیم: ۱۳۹۲/۵/۹

مشخصات محکوم له
۱-خواتون حاجی‌زاده نام پدر محمدرحیم - خرم دره خ سردار جنگل پ ۵۰
مشخصات محکوم علیهم
۱-تورج محمدی فرزند عباس آدرس فوق ۲-فریبا محمدی فرزند عباس آدرس فوق ۳-مهناز محمدی فرزند عباس آدرس فوق ۴-حمید محمدی فرزند عباس آدرس مجهول‌المکان۵- زهرا محمدی فرزند عباس آدرس فوق ۶-مجید محمدی فرزند نصرت اله آدرس خرم دره خ سردار جنگل پ۵۰
محکوم به:
بموجب درخواست اجرای حکم مربوطه به شماره و شماره دادنامه مربوطه ۹۲۰۹۹۷۲۴۲۰۷۰۰۰۳۹ محکوم علیه محکوم است به ۱- پرداخت مبلغ ۳۴۸۰۹۵۲۰ ریال مطابق شاخص تقویمی بانک مرکزی از تاریخ وقوع عقد لغایت فوت مورث طرفین از محل ترکه متوفی (عباس محمدی) از بابت اصل خواسته و از باب تسبیب به پرداخت هزینه دادرسی به میزان ۱۴۴۹۵۳ ریال در حق محکوم له که در مورد آقای مجید محمدی حضوری و مابقی غیابی می‌باشد لذا در صورت عدم پرداخت محکوم به در مهلت قانونی دایره اجرا علاوه بر اجرای حکم نسبت به اخذ نیم عشر دولتی نیز اقدام بعمل خواهد آورد ضمنا اجرای حکم منوط به اخذ تامین می‌باشد.
منشی دادگاه حقوقی شعبه اول حقوقی دادگستری شهرستان خرمدره- مژاله ابراهیمی
محکوم علیه مکلف است از تاریخ ابلاغ اجرائیه:
۱-پس از ابلاغ اجرائیه ظرف ده روز مفاد آن را بموقع اجرا گذارد.
۲- ترتیبی برای پرداخت محکوم به بدهد.
۳- مالی معرفی کند که اجرای حکم و استیفا محکوم به از آن میسر باشد و در صورتی که خود را قادر به اجرای مفاد اجرائیه نداند باید ظرف مهلت ده روز صورت جمع دارایی خود را به قسمت اجرا تسلیم کند. اگر مالی ندارد صریحا اعلام نماید هرگاه ظرف سه سال بعد از انقضاء مهلت مذکور معلوم شود که قادر به اجرای حکم و پرداخت محکوم به بوده‌اید لیکن برای فرار در پرداخت اموال خود را معرفی نکنید یا صورت خلاف واقع از دارایی خود بدهید بنحوی که اجرای تمام یا قسمتی از مفاد اجرائیه متعسر باشد به مجازات حبس از ۶۱ روز تا ۶ماه محکوم خواهید شد.
۴- علاوه بر موارد بالا که قسمتی از ماده ۳۴ اجرای احکام مدنی میباشد به قانون اجرای احکام مدنی و قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۷۹/۱/۲۱ و همچنین مفاد قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۰ آبان ۱۳۷۷ توجه نمایید.

از یک نفر نیروی باتجربه و باسابقه کار بیش از ۵سال در امر مدیریت سردخانه‌داری جهت همکاری در شهرستان زاهدان دعوت به عمل می‌آید.
تلفن تماس: ۰۹۱۵۳۴۱۴۰۹۰
۰۵۴۱ -۴۵۲۷۸۹۰-۹۱

مناقصه یک‌مرحله‌ای نوبت دوم
شماره مناقصه: ۷۳/۹۲/۵

کارفرما: اداره‌کل حمل و نقل و پایانه‌های استان کردستان به آدرس سنندج خیابان پاسداران خیابان شهید تعریف نبش کوچه نیلوفر

موضوع: تهیه و نصب درب‌های اتوماتیک سالن مسافربری پایانه مرزی باشماق

مبلغ برآورد اولیه: ۱/۴۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۱۱۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال (یازده میلیون و ششصد هزار تومان) ضمانت‌نامه بانکی با اعتبار سه‌ماهه می‌باشد.

مدارک و اسناد مناقصه از تاریخ ۹۲/۵/۲۲ در پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات **Iets.mporg.ir** قابل دریافت می‌باشد.

کلیه شرکت‌های دارای مجوز تهیه تولید و مونتاژ درب‌های اتوماتیک مجاز به شرکت در مناقصه می‌باشند.

مهلت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ انتشار نوبت دوم آگهی به مدت هفت روز و پایان وقت اداری مورخ ۹۲/۵/۲۸ می‌باشد.

مهلت تحویل پیشنهادها به مدت ده روز و حداکثر تا تاریخ ۹۲/۶/۹ ساعت ۱۱ صبح می‌باشد زمان بازگشایی پاکات پیشنهاد قیمت ساعت ۱۲ همان‌روز می‌باشد.

اداره‌کل حمل و نقل و پایانه‌های استان کردستان

آگهی ابلاغ

خانم رضوان مسعودی مهرآباد فرزند ستار شناسنامه ۵۲ صادره از ـ عیال آقای میرزاعبدالحسین تقوی بدینوسیله به اطلاع می‌رساند در اجرای تبصره یک ماده ۱۰۵ آئین‌نامه اصلاحی قانونی ثبت بهای ۱/۴ اعیانی- ششدانگ پلاکهای ۹۰۲۷/۵ و ۹۰۶۴/۸ و ۸ و ۹ و ۱۰ فرعی ۹۰۷۳ واقع در بخش ۲۱ یزد که متعلق به شماست طبق نظریه کارشناسی دادگستری میبد به میزان ۴/۶۳۶/۰۰۰ ریال رایج جمهوری اسلامی ایران تعیین گردیده است و به حساب سپرده این اداره از طرف مالک فعلی واریز گردیده است. بنابراین جهت وصول مبلغ فوق به این اداره مراجعه و چنانچه مدعی تضییع حق خویش نسبت به مبلغ یادشده می‌باشید ظرف مدت یک ماه پس از انتشار آگهی می‌توانید به دادگاه صالحه مراجعه و گواهی طرح دعوی خویش را به این اداره ارائه نمائید در صورت فوت خانم رضوان مسعودی مهرآباد وراث وی می‌توانند با در دست داشتن مدارک قانونی وگواهی حصر وراثت جهت دریافت مبلغ نسبت به سهم‌الارث خود به این اداره مراجعه و یا طرح دعوی نمایند.

تاریخ انتشار: ۹۲/۵/۲۱

رئیس ثبت میبد